

روزبهان

و تفسیر

عرائس البیان

محسن قاسم پور

آغاز سخن

روزبهان بقلی از عارفان بزرگ ایران در قرن ششم هجری است. او تا دو قرن پس از وفات، از آوازه و اعتبار قابل توجهی برخوردار بود؛ اما پس از آن به دلیل دشواری یا دیریابی نوشته هایش، چندان که سزاوار اوست، شناخته نشد.

اندیشه های او بسیار انتزاعی و ذهنی و به غایت خیال پردازانه است. این چنین خصوصیتی، او را در قدرت تصویرگری بسیار توانا ساخته است و این همه، نوشته های او را به قول مؤلف روح الجنان (عبداللطیف بن صدرالدین روزبهان) با ویژگی غموض و صعوبت مواجه ساخته است (روح الجنان، ص ۱۷۴). عشق و زیباپرستی، زیربنای تفکر عرفانی اوست و به نظر او راه نیل به کمال تنها از این طریق میسر است. از میان شصت اثری که به نام او ثبت شده، یکی هم تفسیر عرائس البیان است. شیخ روزبهان در این تفسیر، عرفان ذوقی را به قلم آورده که معرفت بدان، می تواند راهگشای پژوهشگران در فهم بهتر و عمیق تر عرفان اسلامی و نیز چگونگی روش عارفان در مواجهه با قرآن باشد.

شخصیت روزبهان

شیخ ابو محمد روزبهان بن ابی نصر البقلی فسوی شیرازی در سال ۵۲۲ در فسا دیده به جهان گشود^۱ و در شیراز موطن گزید. او صاحب القاب متعددی است که از بین آن ها «شیخ شطاح»^۲، معروف است؛ زیرا او شطحیات صوفیان را شرح کرده است و از این رو اثری معروف به نام او در تاریخ ثبت است. از دیگر القاب او «عارف عاشق» است. شیخ روزبهان در سال ۶۰۶ چشم از

۱. روزبهان نامه، به کوشش محمدتقی دانش پژوه، تهران، ۱۳۴۷، ص ۲۱.

۲. شرف الدین ابراهیم، تحفة العرفان (روزبهان نامه)، پیشین، ص ۱۰۵.

مورد مطالعه قرار گرفته و خصوصاً توسط گروهی از خوانندگان در سرزمین‌های عثمانی، آسیای مرکزی و در هند حفظ شده است. برخی آثار وی عبارتند از:

در تفسیر:

لطائف البیان فی تفسیر القرآن
عرائس البیان فی حقایق القرآن

در فقه:

الموشح فی المذاهب الاربعه

در اصول:

العقاید، کتاب الارشاد، کتاب المناهج

در میان آثار صوفیانه بازمانده او به غیر از تفسیر عرائس البیان از آثار زیر می‌توان نام برد:

کشف الاسرار که ترجمه احوال روحانی شخصی او است به زبان عربی که در سال ۵۷۷ هـ. ق نوشته شده و بخشی از آن در استانبول، در سال ۱۹۷۱ چاپ شده است.

منطق الاسرار که مجموعه‌ای از شطحیات است همراه با شرح اصطلاحات صوفیانه.

شرح شطحیات که ترجمه و شرحی است از منطق الاسرار همراه با بخش‌هایی از کتاب الطواسین حلاج در پاریس به اهتمام هانری کرین در سال ۱۹۱۳ چاپ شده است.

عبر العاشقین که با مقالاتی در کتاب‌شناسی و شرح احوال او توسط هانری کرین و محمد معین در تهران در سال ۱۹۷۱ به چاپ رسیده است.

مکتب عرفانی روزبهان

شیخ شطاح از چشمه‌های عرفان، شراب ناب نوشیده و چشم عنایت او پر شده و قلب او صیقلی گردیده است. او عارفی بود که چشم دل او جز جمال چیزی را نمی‌دید و در نتیجه در شبکه عشق و محبت الهی گرفتار آمده است. یکی از محققان و عرفان‌پژوهان در مورد روش‌های سیر و سلوک عارفان چنین گفته است:

هریک از مشایخ صوفیان بنیاد کار و طریقت خود را بر مبنای یکی از مقامات و پایداری در تحقق بدان یا سیر در یکی از احوال و مراقبت آن نهاده‌اند؛ چنان‌که بعضی سکر

سرای هستی بر بست و پیکر او را در جوار قلعه سکونتش که در شیراز بنا شده بود، به خاک سپردند.^۳

این عارف عاشق از اوان بلوغ به طاعت و عزلت‌گرایش داشت. میل به انزوا از خلال گفتار او نیز مشخص می‌شود. خود روزبهان گفته است: «اتفاق ولادت من در میان قومی بود که در غایت ضلالت [کانه‌هم حمر مستفرفة] و جهالت بودند و شغل ایشان همه تباهی و مناهی بود.^۴ در بیست و پنج سالگی از صحبت با خلق دست شست و به قول خود او وحشتی عظیم از خلق او را ظاهر شده است. در پس این انزوا، قرآن را حفظ کرد. اوایل حال را بیش‌تر در ریاضت و روزه‌داری و تهجد گذراند. با این وضع بر اساس برخی گزارش‌ها وی به شام، کرمان، عراق، اسکندریه مسافرت کرده است.^۵ درباره روزبهان دو ترجمه توسط احفاد او نوشته شده: یکی تحفة العرفان است که نویسنده آن شرف‌الدین ابراهیم بن صدرالدین روزبهان ثانی است و دیگری روح الجنان نام دارد که توسط شمس‌الدین عبداللطیف بن صدرالدین روزبهان ثانی نوشته شده است.

اساتید روزبهان

یکی از اساتید معروف او فقیه ارشدالدین نیریزی است. از او نقل شده که: «در قیامت شاگردان به اساتید خود مفتخر می‌گردند، اما من به تلمذ و شاگردی روزبهان». امام فخرالدین ابوطاهر اصفهانی سلفی، که صحیح بخاری را به او در مدرسه اسکندریه تعلیم کرده، از دیگر اساتید روزبهان بوده است. از دانشمند و عارف دیگری به نام «شیخ جاگیر کردی» که در نزدیک سامرا می‌زیست، به عنوان اولین مرشد وی نام برده می‌شود. «شیخ سراج‌الدین محمود بن خلیفه بن عبدالسلام سالبه» نیز استاد وی بوده است.^۶

آثار روزبهان بقلی

این عارف سترگ که در فقه، طریقه شافعی داشته و در کلام نیز قائل به اختیار ازلی و قضای علمی بوده است - تألیفاتی در زمینه‌های تفسیر قرآن، حدیث، فقه و تصوف از خود به یادگار گذاشته است.^۷ نوشته‌های او به ویژه تفسیر عرفانی او از قرآن،

۳. همان، ص ۱۲.

۴. تحفة العرفان، ص ۱۳.

۵. همان.

۶. جستجو در تصوف ایران، ص ۲۱۹.

۷. تحفة العرفان، ص ۱۸ و ۱۹.

و عزلت و گروهی مراقبت باطن و دسته‌ای محبت و ایثار را اصل قرار داده‌اند و برخی از مشایخ راستین عشق و ولاء را پایه ترقی و کیمیای سعادت شمرده‌اند.^۸

روزبهران بقلی در این طریقه یعنی عشق، ممتاز است و مکتب عرفانی او مکتب عشق است. عشق در نظر او قدیم و قبل از عقل و روح دارای درجاتی است. عاشق با بقای معشوق حیات داشته و فنا نمی‌پذیرد. وحدت بین عشق و عاشق و معشوق، غایت سیر یک عارف فانی است. به باور روزبهران عشق اساس طریقت است و انکار آن بی‌حاصل. بر این اساس اگر عشق نبود، وجود و هستی، تحقق نمی‌یافت. در منظومه تفکر عرفانی وی، عشق به جمال، نقشی محور دارد. محقق اعتقاد او را در این زمینه چنین تحلیل کرده است:

روزبهران بقلی عشق شدیدی به صور زیبا و جامه‌های آراسته داشته است. فرشتگان در نظر او مانند زنان، گیسو، گوشواره، مروارید و حجاب نورانی دارند و حوریان پاهای خود را می‌آرایند.^۹

موسیقی در کلیت خود، مظه‌ری از این جمال و زیبایی است و عشق وی به موسیقی نیز از همین منظر قابل توجیه است. این محقق در ادامه چنین افزوده است:

او به موسیقی علاقه مند بود. فرشتگان در نظر وی، طنبور و مزمزار و انبیا صور داشته‌اند.^{۱۰} چنین دیدگاهی را می‌توان در تفسیر رؤیتی مربوط به نزول ملائک در شب قدر-توسط او-ملاحظه کرد.

بر اساس نظر روزبهران فرارسیدن شب قدر در هر سال، فرصت خاصی برای ملاقات با فرشتگان خداوند است. تصویر او از این رؤیت، مؤید نکته‌ای است که بدان اشارت رفت. او در این زمینه گفته است:

«بعضی فرشتگان را دیدم که طبل‌ها و بوق‌ها و آلات موسیقی نظامی در دست داشتند. بر آستانه ربوبی طبل‌هایی دیدم که در شرف نواختن طبل‌ها بودند.»^{۱۱}

استعاره عروس یکی از تعبیرات اساسی برای تجربه عرفانی مکاشفه است. نگاه او به قرآن نیز در چارچوب چنین قاعده و نظامی قابل تفسیر است. عنوان تفسیر عرفانی او بر قرآن، عرائس البیان، یادآور بُرَق برفکنند عروس، به هنگام وصال [عاشق] است و این در حکم الگویی است برای ورود به حرم اسرار حق.^{۱۲}

به نظر او قرآن کلام و امر آن موجود زیبای مطلق یا مطلق زیبایی است. موسیقی-که تجلی آن حسن و زیبایی است-هم در عبارات و هم در محتوای کتاب وحی قابل مشاهده است. رؤیت

و مکاشفه‌های او-بر اساس گزارش آثار وی چون کشف الاسرار- پرده از این زیبایی‌ها برمی‌گیرد.

بدین سان تفسیر او عرائس البیان کوششی است برای انعکاس این زیبایی‌ها و در پیوند با این زیبایی می‌توان گفت: اسلوب عرائس در مقایسه با تفسیر دیگر عرفانی، اسلوبی ویژه است که ما در مباحث بعدی به آن خواهیم پرداخت. اما در عین حال بنا به قول یکی از محققان باید بر این نکته تأکید ورزید که: «رگه‌های گراقتدر عرفان در عرائس البیان درخشندگی خاص دارد و نشان دادن یکی، دو مورد از نمونه‌های عرفان در این تفسیر کاری است بیهوده؛ زیرا صفحه‌ای از این تفسیر نیست که قرآن، عشق و پرستش را با زیبایی و هنر و عرفان در نیامیخته باشد.»^{۱۳}

تفسیر عرائس البیان

چنان‌که مذکور افتاد، روزبهران دو تفسیر داشته است: یکی به نام لطایف البیان فی تفسیر القرآن که در آن اقوال مفسرانی همچون عبدالله بن عباس، ضحاک، قتاده، کلبی و امثال ایشان را آورده و در آخر نیز قول خود را. دیگری به نام عرائس البیان فی حقایق القرآن می‌باشد. این کتاب، تفسیری است عرفانی، اشاری و بر طریقه اهل تصوف که شیخ روزبهران به زبان عربی آن را نوشته است.

در برخی متون تاریخی از این تفسیر با عنوان تفسیر عرائس نام برده شده است.^{۱۴} عرائس البیان که تاکنون چاپ منقحی نیافته و

۸. بدیع الزمان فروزانفر، سعدی و سهروردی (سعدی نامه)، نشر تعلیم و تربیت، تهران ۱۳۱۶، ص ۶۹۹.

۹. هانری کربن، مقدمه صبر العاشقین، ص ۶۱.

۱۰. همان، ص ۶۲.

۱۱. کارل ارنست، روزبهران بقلی، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷، ص ۱۴۱.

۱۲. همان، ص ۱۳۱.

۱۳. عبدالوهاب شاهرودی، نردبان آسمان، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۹۸.

۱۴. خواندمیر، حبیب السیر، ج ۲، انتشارات خیام، ص ۳۳۱ و معصوم علی‌شاه، طرایق الحقایق، تصحیح محمدجعفر محجوب، ج ۲، ص ۶۴۰.

صوفیانی چون: جنید بغدادی، شبلی، سهل تستری، ابن عطاء آدمی، ابوبکر واسطی، عبدالکریم قشیری، ابوسعید خراز، ابو عبدالرحمن سلمی، ذوالنون مصری، ابوعثمان معزی، نصرآبادی و... یافته و از این بزرگان فراوان یاد کرده است. وی در مواردی نیز به سخنان امام علی (ع)، امام صادق (ع) و امام رضا (ع) نیز استناد کرده و نام آن‌ها را در تفسیر خود آورده است. نهایت آن که، در مواضعی از تفسیر، نسبت به امام صادق (ع) کم لطفی می‌نماید؛ زیرا وقتی از جنید و شبلی سخنی را یاد می‌کند، نام آن‌ها را با لفظ «رحمه الله» می‌آورد، اما نام امام صادق (ع) را با ذکر قال جعفر، بسنده می‌کند! و این جای تأسف بسیار است. گاهی نیز مآخذ را به طور صریح بیان نمی‌کند و با ذکر قال فلان و یا قیل بعض العراقرین و قال سلاطین خراسان به تأویل و تفسیر خود ادامه می‌دهد.

اهمیت عرائس البیان^{۱۸}

تفسیر عرائس البیان به لحاظ تاریخی اهمیت دارد. این اثر عرفانی به دنبال ظهور تفاسیری چون لطایف الاشارات قشیری که از ارکان مهم تفسیر عرفانی محسوب است و نیز در امتداد حرکت غزالی در عرفان، ظهور می‌یابد. در عرائس البیان، نوعی پیوستگی بین میراث عرفانی گذشته و آثار صوفیانه بعدی، ملاحظه می‌کنیم. روزبهان بقلی در تفسیر خود اقوال و نظریات مشایخ عرفان را تا زمان خود جمع و ضبط کرده است و این خود خدمتی بس بزرگ است. به بیان دیگر می‌توان گفت این تفسیر در حکم نوعی دایرةالمعارف اقوال عرفانی مشایخ این مکتب است.

جایگاه تربیتی-اخلاقی این تفسیر، جنبه مهم دیگر آن است. گرچه مباحث فنی-متافیزیکی فراوانی در این تفسیر عرفانی به چشم می‌خورد، اما بهره‌های وافر اخلاقی آن نیز کم نیست. به دیگر سخن، این تفسیر از جنبه عملی و سیر و سلوکی یکی از مهم‌ترین متون عرفانی به شمار می‌آید. از همین روست که او

آنچه موجود است، دو چاپ سنگی است که در کلکته و بمبئی به عمل آمده و نسخه چاپی بمبئی هم از اوایل سوره انعام تا آخر قرآن در حاشیه صفة الصفاى ابن بزازه چاپ رسیده است.^{۱۵} در فهرست کتابخانه اهدایی آقای مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران ذیل این تفسیر چنین می‌خوانیم:

[عرائس البیان] قدیمی ترین تفسیر عرفانی برای قرآن است که مطابق عقاید صوفیان و مبتنی بر تأویل های ایشان می‌باشد. روش او در این کتاب چنان است که نخست آیه را می‌آورد و پس از آن رأی و گفتار خویش را بیان می‌کند و سپس به نقل گفتار بزرگان صوفیه می‌پردازد. در سرآغاز نام کتاب را آورده است. همه این تفسیر نزدیک «۳۳۶۰۰ بیت» نوشته دارد. در پشت (برگ ۱- الف) نسخه این کتابخانه زنجیره سند خرقة نگارنده تا اویس قرنی چنین نوشته شده است:

۱. اویس قرنی، ۲. موسی داعی، ۳. حبیب عجمی،
۴. داود طایبی، ۵. شقیق بلخی، ۶. ابوتراب نخشی،
۷. ابوعمر و استخری، ۸. ابومحمد جعفر خدام،
۹. ابوعبدالله خفیف شیرازی، ۱۰. حسین اکار،
۱۱. ابواسحاق کازرونی، ۱۲. خطیب ابوبکر بن محمد،
۱۳. خطیب ابوالقاسم محمد بن احمد بن عبدالکریم،
۱۴. سراج الدین محمود بن خلیفه بن عبدالسلام بن احمد بن سال به (ساله)، ۱۵. روزبهان بقلی شیرازی.

آغاز آن از این قرار است: «الحمد لله الذی کان فی الانزل الازال موجوداً بوجوده و ذاته کنوز صفاته معادل جوده ...». انجام آن: «التاسعة طلب العلو... والعاشرة المنع والبخل فاکسره الجود والسخاء والحمد لله...»^{۱۶}

منابع روزبهان در تفسیر عرائس البیان

چنان که قبل از این یادآور شدیم، روزبهان در مقدمه عرائس این نکته را بیان می‌دارد که: «پس از گفتار خویش، سخنان نغز و اشارات دقیق استادانم را تبرکاً یادآور شدم». ۱۷ بر مبنای این سخن، می‌توانیم بنیان تفسیر یا تأویل او را در این اثر عرفانی به یادماندنی، طریقه صوفیه و اقوال عارفان محسوب داریم. روزبهان آبشخور یا شواهد تفسیری خود را در میان سخنان

۱۵. مقدمه بهر الماقرین، ص ۶۷.

۱۶. ج ۱، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۳۰، ص ۱۷۰.

۱۷. التفسیر والمفسرون، ج ۲، ص ۳۹۰.

۱۸. از این تفسیر، تصویر نسخه استنساخی، به مشخصات ذیل توسط استاد فاضل دکتر مهدوی راد در اختیار این جانب قرار گرفت که بدین وسیله از ایشان سپاسگزاری می‌کنم. تاریخ النسخ و محل: من القرن الحادی عشر، کتابخانه مدرسه نمازی-خوی، ابعاد حجم کتاب ۱۳×۱۷، شماره ۶۱۱. شروع این تفسیر با مشخصات فوق از سوره بقره است، اما بخش زیادی از این سوره و قریب ۱۰۰ آیه از سوره آل عمران نیز در آن موجود نیست. استاد ما در این بخش به این مشخصات تفسیری است.

طریقت روزبهنیه را تأسیس کرده و برای اهل الله، رباطی ساخته است؛^{۱۹} مکانی که در آن سالکان و مریدان در آن به لحاظ تربیت مادی و معنوی مورد توجه واقع می شدند. روزبهران عمر خود را در تربیت و تهذیب شاگردان خود سپری ساخت و در هدایت مریدان چنان که نقل است به مدت ۵۰ سال در مساجد شیراز به وعظ و پند پرداخته است و در جامع عتیق شیراز درس می گفته است.^{۲۰} بدین سان، باید گفت عرائس البیان از یک نگاه، تفسیر عرفانی متكاملی است که بنیاد آن عشق و وحدت است. مفسر آن برای سیر و سلوک روش و برنامه ارائه کرده که اصول و مبانی آن در این تفسیر فراهم آمده است. از این نظر شیخ روزبهران در این تفسیر، کوشش در خوری برای جمع بین اندیشه و عمل عرفانی از خود بروز داده است.

نگاهی به مقدمه عرائس البیان

روزبهران در مقدمه تفسیر خویش پس از حمد الهی و بیان مقام قرآن و تبیین ابعاد متناهی آن، خاطر نشان می سازد که خداوند محتوای ظاهری قرآن را به عالمان و حکما واگذار کرده و حقایق و اسرار مخفی آن را به بندگان خالص او. بعد از ذکر این موضوع، می گوید:

چون این نکته را یافتم که برای کلام ازلی و وحی، نهایی از جنبه ظاهری و باطنی وجود ندارد و احدی، به کمال و غایت معانی آن نرسیده است - زیرا تحت هر حرف از حروف آن دریایی از اسرار الهی و چشمه هایی از چشمه های انوار او وجود دارد - لذا به دقایق و لطایف و حقایق قرآن از رهگذر عرفان روی آوردم.^{۲۱}

روزبهران در مقدمه با استناد به آیاتی همچون: «ولو انما فی الارض من شجرة اقلام والبحر یملء من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمات الله»؛ «اگر آنچه درخت در زمین است قلم باشد و دریا را هفت دریای دیگر به یاری آید، سخنان خدا پایان نپذیرد.» (سوره لقمان، آیه ۲۷)

یا «قل لو كان البحر مداد الکلمات ربي لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربي ...». «بگو: اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکب شود، پیش از آن که کلمات پروردگارم پایان پذیرد، قطعاً دریا پایان می یابد.» (سوره کهف، آیه ۱۰۹)

چنین اظهار داشته است:

خواستم از این اقیانوس های ازلی، اندکی آب گوارای دانش و حکمت جاویدان و اشارت جاوید بردارم؛ حکمت و دانشی که فهم دانشمندان و خرد خردمندان از آن قاصر است. بنابراین آن که از اولیاء پیروی کرده باشم و از روش

پاکان الهام و سرمشق گرفته باشم، پس کتابی موجز و آسان - که نه پر تفصیل و نه ملال آور باشد - در مورد حقایق قرآنی سامان دادم. آنچه از حقیقت قرآن و لطایف بیان و اشاره رحمانی در قرآن است، در نظرم خطور کرد. آن ها را با الفاظ لطیف و عبارات دلپسند، ذکر کردم و ای بسا به تفسیر آیه ای که اساتید پیش از من توجهی به آن نکرده اند، اقدام نمودم. در پی آن، گفتار نغز و اشارات دقیق استادانم را تبرکاً یادآور شدم. در این راه از خداوند بزرگ، خیر را طلب کردم و از او یاری جستم.^{۲۲}

او در مقدمه خود به معانی ظاهری قرآن اذعان می کند. نهایت آن که، معتقد است تفسیر او از قرآن، صرفاً به جنبه باطنی و اشارتی کلام وحی پرداخته است.

سبک نگارش عرائس البیان

آثار عرفانی روزبهران بقلی تداعی کننده جهانی پر رمز و راز و خیال انگیز است. تصور و استنباطی روشن از چنان جهانی - به ویژه برای اذهانی نامأنوس با آن زبان و ادبیات - به سادگی میسر نمی باشد؛ زیرا اسلوب بیان و حتی محتوای چنین سخنانی از مقوله حرف های معمولی نمی باشد. بنا به سخن نوه او شرف الدین، درک و فهم سخنانی از این دست، مستلزم استحضار در علوم باطن و [نیز] وقوف بر اصطلاحات ارباب تحقیق می باشد. یکی از پژوهندگان آثار روزبهران، در خصوص سبک آثار روزبهران گفته است:

آنچه تأثیر بسیار عمیقی بر خواننده آثار روزبهران می گذارد، سبک او است که بعضی اوقات ترجمه آن به اندازه ترجمه آثار احمد غزالی دشوار است و آرایش و جمله بندی قوی تر و ژرف تری دارد. زبان او دیگر زبان مدرسی شارحان اولیه تصوف نیست که سعی داشتند مراحل و منازل سالکان را طبقه بندی کنند؛ گرچه بقلی مطمئناً از این نظریه ها و اصطلاحات

۱۹. جستجو در تصوف ایران، ص ۲۲۲ و مقدمه غیر العاشقین، ص ۵۲.

۲۰. همان، ص ۲۲۰.

۲۱. التفسیر والمفسرون، پیشین.

۲۲. همان.

الربوبية، مشاهدة صرف القدرة ونهرها روية تجلى الحق
في مرآة الايات و جنة المعرفة ادراك نواذر الالهية ونهرها
صفاء الاخلاص و... ۲۶

نمونه دیگر از کلام موسیقی گونه او، ذیل تفسیر کریمه
«ورفع بعضکم فوق بعض درجات» (انعام، آیه ۱۶۵) مشهود
است.

او در آن جا چنین گفته است:

لاقتداء البعض [بالبعض]. درجه بعضهم المعاملات، و
درجه بعضهم الحالات، ودرجه بعضهم المكاشفات و
درجه بعضهم المشاهدات ودرجه بعضهم الفراسات،
و درجه بعضهم الكرامات، ودرجه بعضهم المواجید
والواردات، ودرجه بعضهم الحكمیات، ودرجه بعضهم
اللذنیات، ودرجه بعضهم المعرفة، ودرجه بعضهم
التوحید، ودرجه بعضهم التكوين، ودرجه بعضهم
التكین، ودرجه بعضهم اليقين، ودرجه بعضهم الفناء،
و درجه بعضهم البقاء، ودرجه بعضهم الانصاف، ودرجه
بعضهم الاتحاد و... ۲۷

عباراتی از این دست، کلام موزون و نثر مسجع این مفسر را
نشان می دهد و از سوی دیگر، بیانگر تلاش وافر شیخ شطاح در
تطبیق و تأویل آیات قرآنی با اصطلاحات عرفانی است.

همچنین روزبهان در این تفسیر قدرت خویش را در ارائه
اسلوبی رمزی-ضمن التزام به وحدت موضوع- نمایانده است؛
چنان که گویی قبل از آن که وی عالم یا مفسر و یا حتی عارفی
باشد، او را در چهره هنرمندی می نگریم که روح هنر او مدخل
عشق و جمال است که در نهایت به سوی حقیقت رهنمون
می گردد. نمونه دیگر قابل ذکر- در استخدام شیوه رمزی در عین
التزام به وحدت موضوع- تأویلی عرفانی او در ذیل آیه ۱۴۱
سوره انعام است. در آن جا از انواع ویژه بستان ها و ثمرات
خاص آن همچون: انس، شوق، عشق، خوف، رجاء، عفت،
معرفت، توحید و... - که با جان عارف عجین شده- سخن
می گوید. ۲۸ همه این استعارات و رموز را در بیان خود به کار
می بندد، اما این همه، حول محور دل و جان عارف است و بس

فنی آگاه بود. زبان او زبان پالایش یافته به دست شعرای
ایران در خلال سده های یازدهم و دوازدهم میلادی است
که انعطاف پذیر و دشوار انگیز و نیز پر از گل و بلبل است. ۲۳
دیگری در این مورد گفته است:

جملات و عبارات، تاب معانی لطیف و نغز و دلکش
روزبهان را نمی آورد. گفتار او چون گلی است که تا در
دست بگیرد، پرپر می شود و چون ماده کیمیایی است که
به مجرد رسیدن اندک حرارتی، بخار می گردد. ۲۴
روشن است که چنین حکم یا دیدگاهی در مورد تفسیر عرفانی
او عرائس البیان نیز صادق است.

از هنرهای او تصویرسازی با کلمات است. او به مشابه
نقاشی زبردست می نماید که با به گزینی الفاظ، معنای آن ها را با
رنگ و حرکت، مجسم می سازد؛ هنرمندی که در نمایان کردن
صورت های فکری خود با درخشان ترین حالات، توفیق
می یابد. تو گویی شنونده در ماورای کلمات و عبارات این کتاب
صدای دف و دهل می شنود. سبک او در نوشتن غالباً متکی بر
فواصل موسیقی موزون و متقابل می باشد و از تکرار کلمات یا
جملات و عبارات و گاهی فقرات هم اندازه، ایقاعاتی جالب و
نغز تولید می کند و غالباً سجعی همانند ریتم موسیقی در این
فواصل به کار می برد. ۲۵
برای مثال ذیل آیه:

**وشر الذين امنوا وعملوا الصالحات ان لهم جنات تجري تحتها
الانهار...؛** «و کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته
انجام داده اند، مژده ده که ایشان را باغ هایی خواهد بود که از زیر
[درختان] آن ها جوی ها روان است» (بقره، آیه ۲۵) چنین گفته
است:

ان لاهل المعرفة، جنات، جنة العبودية و جنة الربوبية و
جنة المعرفة و جنة المحبة و جنة القرية ... و جنة المشاهدة
و جنة المداناة، جنة الوصلة و جنة التوحيد و جنة البقاء،
جنة البسط و جنة الرجاء، جنة الانبساط و جنة السكر و جنة
الصحو و جنة الملكوت و جنة المكاشفة و ...

در ادامه می آفراید:

فجنة العبودية، الكرامات و نهرها حقایق الحكمة و جنة

۲۳. کارل ارنست، پیشین، ص ۱۲.

۲۴. مقدمه هبهر العاشقین، ص ۱۰۰.

۲۵. رمضان صلاح الصاوی، عرائس البیان فی حقایق القرآن، تصحیح متن،
رسالة دکتری- دانشگاه تهران، ۱۳۵۰، ص ۸۹ و ۹۰.

۲۶. روزبهان بقلی، عرائس البیان فی حقایق القرآن، ج ۱، پیشین، ص ۶.

۲۷. همان، ج ۱، ص ۱۸۱.

۲۸. روزبهان بقلی، پیشین، ج ۱، ص ۱۷۴.

در همین مورد، وی ترجیح می دهد که مقصود خود را - با همین روش - به استناد آیاتی دیگر از قرآن بیان کند تا به هر حال تفسیر او از قاعده اساسی «القرآن یفسر بعضه بعضاً» نیز پیروی کرده باشد.

تأویل در عرائس البیان

در نظر شیخ روزبهان مدار و محور تأویل، فهم اشارات الهی در آیات قرآنی است. اشاره در یک آیه به مثابه پنجره ای بسته است که عارف درک می کند چگونه آن را بگشاید. بر این اساس، وی به منظور فهم نکته ای، از حد لفظ فراتر می رود. اشاره گاهی نحوی است، گاهی بلاغی و زمانی لفظی؛ اما اشاره معنوی، اشاره از نوعی دیگر است که شأن و اقتضای آن، این است که چشم بصیرت را در قلب عارف می گشاید و در نتیجه، از رهگذر این اشاره (تأویل) حقایق و اسرار آیات را درک می نماید. بنابراین، تفسیر از طریق اشاره، عبارت است از بیان آنچه عارف در حال خود، آن را دیده است. مستمسک نظریه شیخ روزبهان، آیه شریفه: **سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق او کم یکف بربک انه علی کل شیء شهید؛** «به زودی نشانه های خود را در افق های گوناگون و در دل هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است» (سوره فصلت، آیه ۵۳) می باشد.

یک آیه - چه در آیات الاحکام و غیر آن - که با مبنای فطری او هماهنگی تام دارد، اکتفا کرده است. برای مثال او در مورد آیه ۹۲ سوره نسا که آیه ای است مربوط به قتل مؤمن، فدیّه و خون بهای او، هیچ بحث فقهی ندارد، یا آیه ای را که مربوط است به موضوع ارث و تقسیم آن، به شیوه عرفانی تأویل می کند و از تقسیم علوم ربوبی توسط مراد برای مرید سخن می گوید. ۳۰ برخورد او با آیه طلاق (۲۲۹ بقره)، آیه دین (۱۸۲ بقره) و ... نیز به همین صورت است؛ یعنی تأویل عرفانی. این موضوع، بی اهمیتی مسائل اجتماعی و فقهی را در تفسیر وی نشان می دهد.

باری، این روش یا قاعده، در تمام تفسیر او جریان دارد. تأویل های روزبهان هم شامل مباحث عرفان نظری و هم متضمن مباحث عرفان عملی و سیر و سلوک می شود. آنچه در پی می آید، مروری است گذرا بر بخشی از این نوع تأویل ها.

۱. تأویل به اصل حضرات خمس [آیه اول سوره نساء]

شیخ روزبهان ضمن اعتقاد به مبانی تصوف و عرفان، به اصل مهم حضرات خمس نیز باور دارد. از فروع این اصل مهم (حضرات خمس) حضرت جامعۀ محمدیه است. او اعتقاد خود را با تأویلی از آیه اول سوره نساء نشان می دهد. روزبهان عارف اعتقاد داشته، خداوند در این آیه تمام اوصاف قدم، امر و مشیت و نیز افعال خود را به مثابه رمز و اشاره بیان داشته است. خداوند وقتی خواست خلقت را ایجاد کند، انوار محبت ازلی خود را در فضای قلوب منتشر ساخت، ذات او برای صفاتش و صفات او برای افعالش تجلی یافت. علم و حکمت و قدرت او در یک حقیقت واحد - که همان امر باشد - متجلی گردید. اراده با امر همراه شد و آن گاه با نعت کاف و نون [کُن] در امر نظر کرد و جوهر بسیط را که اجسام، ارواح، جوهر و اعراض در آن جمع است، ایجاد نمود. ۳۱ در ادامه، روزبهان در تأویل این آیه به حدیث اوّل ما خلق الله نوری پیامبر (ص)

تفسیر عرائس البیان فی حقایق القرآن متضمن تمام سوره قرآنی است؛ یعنی از فاتحه کتاب تا سوره ناس؛ جز آن که روزبهان در این تفسیر به همه آیات نپرداخته است. بسیاری از آن ها را بدون این که توجهی داشته باشد، رها ساخته و به همین منوال گاهی در یک آیه جزئی را به تفصیل شرح کرده و جزء دیگر را نادیده گرفته است؛ چنان که در آیه ۲۷۴ از سوره بقره می بینیم که جزئی از آن را یعنی:

الذین ینفقون باللیل والنهار سرا وعلانية، را تفسیر کرده و به جزء دیگر یعنی: **فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون** توجه نداشته است. بعد از این آیه بلافاصله به آیه ۲۸۰ از همین سوره یعنی: **وان کان ذو عسرة فنظرة الی میسرة،** منتقل شده؛ بی آن که آیه های حدفاصل را در نظر بگیرد. در سوره نسا از آیه ۷ به ۱۲ می رسد و از آیه ۴۲ به ۴۸، از آیه ۵۰ به ۵۴ و از آیه ۸۹ به ۹۴ و ... ۲۹.

شیخ روزبهان به جنبه متافیزیکی قرآن اکتفا کرده و در تفسیر خود، قرآن را بر یک محور که قطب اولش فنا از دنیا و آخرت و قطب دیگرش فنای در خداست، تفسیر و تأویل کرده است. با چنین نگرشی است که با آیات الاحکام نیز مواجه می گردد و از این قبیل آیات نیز تصویری عارفانه ارائه کرده و بر تأویل بخشی از

۲۹. روزبهان بقلی، عرائس البیان، ج ۱، ص ۵۴، ۵۵، ۶۶، ۶۷-۶۸، ۶۹.

۳۰. همان، ص ۵۴ و ۷۸.

۳۱. روزبهان بقلی، ج ۱، ص ۵۱.

می‌گردد. برخی تأویل‌های او در این موضوع را از نظر می‌گذرانیم:

۱. تأویل به معرفت و عشق و وصال [آیه ۱۴۳ سوره اعراف]

شیخ روزبهان ذیل آیه ولما جاء موسی لمیقاتا و کلمه ربه قال رب ارنی انظر الیک قال: لن ترانی، گفته است: اهل ظاهر از این آیه هیچ نصیسی ندارند. خداوند ولایت و نبوت را به هیچ یک از اولیا و انبیای خود عطا نفرمود مگر بعد از آن که خود را به آنان شناساند؛ زیرا حقیقت معرفت جز با مشاهده حق، تحقق نمی‌یابد. وقتی اولیای خدا او را با چشم روح، دل و عقل و سر خود دیدند، به او عشق ورزیده و مشتاق او گردیدند. پس از آن است که نیل به مراتب وصال، حاصل شدنی است. وی همچنین به گاه تأویل کریمه:

انی لاجد ریح یوسف لولان تغتدون (یوسف، آیه ۹۴)، آیه را مثال هر عاشقی می‌داند که به وصال ازل می‌اندیشد و در پی استشمام نسیم گل بوستان ابدیت است. چگونه؟ آنگاه وی توضیح می‌دهد که این مقام با حضور قلب و با چشمان گریان در خلوت‌های اسرار به دست می‌آید.

۲. تأویل به قبض و بسط [آیه ۱۳ سوره انعام]

قبض و بسط یکی از اصطلاحات متداول در عرفان عملی است که در اهم کتب عرفانی از آن سخن به میان آمده است. روزبهان ذیل آیه شریفه:

وله سكن فی اللیل والنهار وهو السميع العليم (انعام، آیه ۱۳) گفته است: این آیه اشاره به قلوب منقبضین و منبسطین دارد. دل‌های اهل قبض در شب هنگام با تجلی صفت اراده الهی و سطوت عزت او به مقام سکینه و تواضع می‌رسند و نیل به مرتبه بسط برای اهل آن از طریق مشاهده انوار جمال و لطایف صنع صفات او قابل دست یافتن است.^{۳۶} این عارف در بحث از مقام انبساط ذیل تأویل آیه اول سوره مجادله:

قد سمع الله قول التي تجادلک فی زوجها...، می‌گوید: خداوند در اول سوره مقام انبساط را خاطر نشان می‌سازد: از آن جا که در ادامه آیه بحث نجوا مطرح است، روزبهان بقلی نجوا را به سرّ الله عرفانی مورد نظر خویش تأویل می‌کند.^{۳۷}

۳۲. همان.

۳۳. مراد از حقیقت محمدیه به اصطلاح عرفا ذات احدیت به اعتبار تعین اول و مظهر اسم جامع الله است. (جعفر سجادی، فرهنگ اصطلاحات عرفانی، ص ۲۲۵). احد در میم احمد گشت آشکار.

۳۴. روزبهان بقلی، هرائس البیان، ج ۲، ص ۳۴۱.

۳۵. روزبهان نامه، پیشین، ص ۱۰ و ۱۱.

۳۶. هرائس البیان، ج ۱، ص ۱۳۵.

۳۷. همان، ج ۲، ص ۴۰۶.

استناد می‌کند^{۳۲} که بر اساس آن مُبَدَع و صادر اول را احمد یا حقیقت یا وحدت محمدیه می‌داند.^{۳۳} بر این اساس از نظر وی انبیا گرچه به لحاظ اسم و صورت متعددند، اما در حکم نبی واحدند که او حضرت محمد (ص) است کما این که تمام رسالت‌ها در حکم یک رسالت است و این یکی بیش تر نیست و آن هم اسلام است: ان الدین عند الله الاسلام. (آل عمران، آیه ۱۹)

۲. تأویل به وحدت وجود [آیه ۹ سوره فتح]

سخن روزبهان در تأویل آیه ای در سوره فتح، بیانگر اعتقاد او به اصل وحدت وجود می‌باشد. او در ذیل آیه لَتؤمنوا بالله ورسوله وتمزروه وتوقروه وتسبحوه بكرة واصیلا؛ تا به خدا و فرستاده اش ایمان آورید و او را یاری کنید و ارجمند کنید و [خدا] را بامدادان و شامگاهان به پاکی بستانید چنین گفته است:

خداوند در این آیه فرموده است ای پیامبر تو را شاهد قرار دادم تا مردم، مرا مشاهده کنند... قدر تو را در قدر من بشناسند و قدر من را در قدر تو. تو آینه من شدی؛ من از طریق تو برای انسان‌ها تجلی می‌کنم.

شیخ روزبهان بقلی در ادامه به روایتی از پیامبر (ص) به عنوان شاهد سخن خویش تصریح می‌کند که فرموده است: من رأی فقد رأی الحق. او در پایان گفتارش از رهگذر تأویل آیه مذکور و آیه بعدی آن مقولاتی چون: مقام جمع، تفرقه، اتصاف، اتحاد، التباس را نتیجه می‌گیرد و بر آن است که خداوند پیامبر را آینه ظهور ذات و صفات خود قرار داده است.^{۳۴} این عقیده تداعی کننده نظریه حسین بن منصور حلاج نیز می‌باشد. (قول انا الحق)

تأویل به اصطلاحات عرفان عملی

یکی از مسائل مهم در عرفان، سیر و سلوک و جنبه‌های عملی آن است. در عرفان عملی سخن از طی طریق، عبور از میدان‌های صدگانه (به گفته خواجه عبدالله انصاری هروی) و یا مقامات هزارگانه است.

در این جا، اصل تعلیم شیخ و قاعده تسلیم مرید حکم فرماست. رهرو و سالک در سایه تربیت مراد با تحمل رنج و ریاضت از مقاماتی می‌گذرد و احوالی را می‌بیند و در ربط میان خویش و پیامبر (ص) به روایت و سند استناد نمی‌کند. روزبهان بقلی در شرح شطحیات از این گونه روایت‌های بی‌واسطه دارد.^{۳۵}

بر این نکته باید افزود که شیخ روزبهان بخش مهمی از تفسیر خود را تطبیق و تأویل آیات قرآنی با این جنبه از عرفان قرار داده است. کشف این مهم با اندک کاوشی در تفسیر او حاصل

۳. تأویل به تلوین و تمکین [آیه ۱۳۲ سوره بقره]

اصطلاح تلوین و تمکین، به وفور در تفسیر عرائس البیان به کار رفته است. در دیگر آثار و ادبیات عرفانی نیز از این دو اصطلاح فراوان یاد شده است. روزبهان در ذیل آیه شریفه:
ووصی بها ابراهیم بنیه و یعقوب، و ابراهیم و یعقوب، پسران خود را به همان [آیین] سفارش کردند معتقد است: ابراهیم و یعقوب در کشف جمال حق در دو مقام بودند. ۳۸
 او در ادامه افزوده است:

من از جانب یعقوب در این مسئله عذر می‌آورم و آن عذر این است که او جمال حق را در حسن و زیبایی یوسف می‌دید و عاشق او بود. با این وجود، او در ابتدای عشق بود و در محل التباس باقی ماند. و خلیل صلوات الله به حسب حق در راه حق برای خود حق بود و این، نهایت مقام عشق است؛ زیرا او در محل تمکین و فرزندش یعقوب در محل تلوین است. او بر آن است که در مقایسه بین ابراهیم و یعقوب آنچه برای ابراهیم از رهگذر تسلیم، تحقق یافت، برای یعقوب حاصل نشد. چرا که یعقوب به خاطر فرزندش (یوسف) بی‌تابی فراوانی کرد و گفت: یا اسفی علی یوسف. ۳۹

شیخ روزبهان در ذیل آیه:

واتموا الحج والعمرة لله نیز به همین موضوع - تلوین و تمکین - اشاره می‌کند و معتقد است که حج برای اهل تمکین است و عمره برای اهل تلوین و در ادامه می‌افزاید که اتمام حج رسیدن به دیدار ربوبیت است و اتمام عمره وصول به حقیقت است.

نمونه دیگر قابل استناد، استشهاد روزبهان به آیه شریفه:

واذکر ربک فی نفسک تضرعاً و خیفه و دون الجهر من القول بالغدو والاصال ولا تکن من الغافلین؛ «و در دل خویش پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس و بی‌صدای بلند یاد کن و از غافلان مباش» (اعراف، آیه ۲۰۵) می‌باشد. شیخ گفته است: اصحاب بقا، غنا، صحو و محو و ارباب حقایق در او طاد تمکین، ثابت اند و هیچ تلون و دگرگونی نمی‌پذیرند و آن‌ها به یک ثبات و استواری نیل یافته‌اند. ۴۰

۴. تأویل به مقامات عرفانی [آیه ۲۶ سوره آل عمران]

مقامات - چنان که ذکر آن رفت - یکی دیگر از مقولات مهم عرفان عملی است. گرچه اصطلاحاتی چون: تلوین، تمکین، قبض و بسط مندرج در این عنوان کلی است، با این حال، خود مقامات نیز در تفسیر عرائس البیان مورد استناد قرار گرفته و آیاتی از قرآن با آن تطبیق یا تأویل شده است.

شیخ روزبهان در تأویل آیه:

قل اللهم مالک الملک توتی الملک ... (آل عمران) «بگو بار خدایا تویی که فرمانفرمایی، هر آن کس را که خواهی فرمانروایی بخشی»، به تفصیل مفهوم ملک را بررسی و تحلیل می‌کند. خداوند سبحان را صاحب ملک، ملکوت و جبروت می‌داند. سپس به ملکی که انبیا آن را واجدند، یعنی مقام اصطفاء و اجتبا و خلّت، محبّت، تکلیم، معجزات و معراج، رسالت و نبوت اشاره کرده و مصادیق آن را مشخص می‌سازد. در پی آن، به ملک و سلطنتی که اولیای بزرگ او بدان اختصاص یافته‌اند، می‌پردازد و معتقد است که این ملک دارای چهار مرتبه است: مرتبه کرامات و آیات، مرتبه مقامات، مرتبه وجد و نجوا، مرتبه کشف و مشاهده. تجلی مقامات کرامات را در طی الارض و استجاب دعا می‌داند که این ویژه اهل معاملات است. آن گاه به مصادیق مقامات می‌پردازد. مقامی که از مقام اول بالاتر است. به نظر شیخ روزبهان، زهد، ورع، تقوا، صبر، شکر، توکل، رضا، تسلیم، تزییض، تقویم، صدق، اخلاص، احسان، استقامت و طمأنینه از این مقامات حکایت می‌نمایند. مقام سوم وجد و نجوا است و شوق، عشق، سکر و صحو از آن حکایت می‌کنند، که ویژه اهل حالات است و بالاخره مرتبه چهارم که مقام کشف است (فنا و بقا) ویژه اهل معاینات است. ۴۱

روزبهان برای عاصی و کافر نیز مقامی قائل است. وی به استناد آیه شریفه:

و ما لنا الا له مقام معلوم «هیچ یک از ما [فرشتگان] نیست مگر [این که] برای او مقام و مرتبه ای است» (صافات، آیه ۱۶۴) مقام عاصی را توبه و مقام کافر را طرد و غفلت و لعنت می‌داند. ۴۲

۵. تأویل های دیگر

روزبهان هنگام تأویل: **... و خشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همساً؛** «... و صداها در مقابل [خدای] رحمان خاشع می‌گردد و جز صدایی آهسته نمی‌شنوی» (طه، آیه ۱۰۸) مقام فنا و بقا را نتیجه می‌گیرد و در ذیل آیه: **واذبوکنا ابراهیم مکان البیت ان لا تشرک بی شیئاً ...** «و چون برای ابراهیم جای خانه را

۳۸. همان، ج ۱، ص ۲۱.

۳۹. عرائس البیان، پیشین.

۴۰. همان، ج ۱، ص ۲۱۸.

۴۱. صلاح الصاوی، روزبهان و تفسیر عرائس البیان، مجله تحقیقات

اسلامی، ص ۲۷.

۴۲. همان.

۴. کربن و محمد معین، انتشارات منوچهری، چاپ سوم، ۱۳۶۴.
۵. خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین، حبيب السیر، انتشارات خیام، بی تا.
۶. مشکوة، محمد، مجموعه کتب اهدایی به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۳۰.
۷. بقلی شیرازی، روزبهان، عرائس البیان فی حقایق القرآن، تصویر نسخه خطی قرن ۱۱ کتابخانه نمازی خوی.
۸. شاهرودی، عبدالوهاب، نردبان آسمان، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۷۹.
۹. کارل ارنست، روزبهان بقلی، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران، نشر مرکز، چاپ اول ۱۳۷۷.
۱۰. ذهبی، محمدحسین، التفسیر والمفسرون، چاپ دوم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۹۶ هـ.
۱۱. سجادی، جعفر، فرهنگ اصطلاحات عرفانی، چاپ اول، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۷۰.
۱۲. صلاح الصاوی، رمضان، تصحیح متن، رساله دکتری، دانشگاه تهران به راهنمایی حسین مینوچهر، ۱۳۵۰.
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین، جستجو در تصرف ایران، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۱۴. عیسی بن جنید، هزارمزار، ترجمه ملخص شدالازار، انتشارات احمدی و جهان نما، شیراز، ۱۳۲۰.
۱۵. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۶. جامی، نورالدین عبدالرحمن، تفحات الانس وحضرات القدس، تصحیح محمود عابدی چاپ دوم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.
۱۷. فصیح خوافی، احمد بن جلال الدین، مجمل فصیحی، به کوشش محمود فرخی، مشهد، نشر طوس، ۱۳۳۹.
18. Ency. of Islam, Vol. VIII/651-52, New Edition, by c. Ernst.

معین کردیم [بدو گفتیم] چیزی را با من شریک مگردان ... « (حج، آیه ۲۶) بیت خاص را به قلب عارف تأویل می کند. ۴۳ آیه: «وَالْبَدَنُ جَمَلُنَا لِكُمْ مِنْ شِعَائِرِ اللَّهِ؛ «و شتران فریه را برای شما از جمله شعائر خود قرار دادیم» (حج، آیه ۳۶) را اشاره به ذبح نفس از طریق مجاهدت و سیر و سلوک می داند. ۴۴ روزبهان در ذیل آیه شریفه: «خَلُوا زَيْنَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا» ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی برگزید و بخورید و بیاشامید» (اعراف، آیه ۳۱) معتقد است زینت ظاهر همان سجده است و زینت باطن شهود. ۴۵ در آیه من یطع الله والرسول فقد اطاع الله ... «هرکس از پیامبر (ص) فرمان برد در حقیقت خدا را فرمان برده ...» (نساء، آیه ۸۰) اطاعت ظاهری را عبارت از سر سپردن به فرمان رسول (ص) خدا (که در حقیقت فرمان خداست) و باطن این عبودیت را به مقام عین الجمع تأویل می کند. ۴۶ در ذیل آیه: «ان الصفا والمروة ... صفا را به معراج عارفان و مروه را پلکان زاهدان یا صفا به روح و مروه به قلب و ایاماً معدودات را به زندگی عارف در دنیا و در ذیل آیه: انکم ظلمتم انفسکم باتخاذکم العجل (بقره، آیه ۵۴): عجل را به تمثال شیطان یا نفس انسانی تأویل می کند.

در پایان سخن باید گفت: در یک نگاه کلی تفسیر عرائس البیان، تفسیری است بر مذاق صوفیان و در تأیید مکتب عرفانی او. از این نظر تأویلات او متکلفانه و بعید است و با تأویل در معنای معهود قرآنی آن-که اجتناب ناپذیر است- به کلی متفاوت است. خواننده عرائس البیان قبل از آن که بتواند از آن استفاده تفسیری ببرد، باید با اصطلاحات عرفانی، ادبیات استعاری و بیش از حد انتزاعی او و تجارب عرفانی روزبهان آشنایی داشته باشد. پرداختن به این موضوع در حوزه تفسیر پژوهی، اهمیت بسزایی دارد که در این مجال نمی گنجد. در هر حال در مورد روزبهان کارهای زیاد مانده که باید صورت گیرد و رویکرد ما نسبت به این عارف نباید رویکرد مؤیدانه و هواخواهانه صرف باشد. امید آن که پژوهشگران به تفسیر او به عنوان یک موضوع پژوهشی مستقل، بپردازند. ۴۷

منابع

۱. شرف الدین ابراهیم، تحفة العرفان فی ذکر سید الاقطاب، روزبهان نامه، تحقیق محمدتقی دانش پژوه، تهران، سال ۱۳۴۷.
۲. عبداللطیف بن صدرالدین، روح الجنان فی سیره الشیخ روزبهان، روزبهان نامه، تحقیق محمدتقی دانش پژوه، ۱۳۴۷.
۳. معصوم علی شاه، طرائق الحقایق، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران، ۱۳۱۶.
۴. بقلی شیرازی، روزبهان، عبهر العاشقین، تصحیح هانری



۴۳. روزبهان بقلی، عرائس البیان، ج ۲، ص ۷۹.

۴۴. همان، ص ۸۳.

۴۵. عرائس البیان، ج ۱، ص ۱۹۹.

۴۶. همان، ج ۱، ص ۷۵.

۴۷. آکن گادلس استاد دانشگاه جورجیا، بررسی تفسیر عظیم روزبهان را بر عهده گرفته و بخشی از این تفسیر را که به سوره چهارم قرآن تخصیص یافته و ویرایش و ترجمه کرده است. (روزبهان بقلی، کارل ارنست، پیشین، ص ۱۴).